



«سخن و اعمال» اشخاص حقوق عمومی چه مسئولیت هایی در پی خواهد داشت؟

«سخنوری» و عمل سیاسی در عالم سیاست ابزاری برای بسط و تبیین قدرت جناح‌های سیاسی است که این ابزار در بزنگاه‌های حساس گاهی تبدیل به سلاحی می‌شود برای حذف و هدم رقیب.

«سخنوری» و عمل سیاسی در عالم سیاست ابزاری برای بسط و تبیین قدرت جناح‌های سیاسی است که این ابزار در بزنگاه‌های حساس گاهی تبدیل به سلاحی می‌شود برای حذف و هدم رقیب. انتخابات یکی از بزنگاه‌هاست که جناح سیاسی و حتی مسئولان مرتبط با فعالیت سیاسی هم را درگیر این پرسش مهم می‌نماید که «آیا سخن یا اعمال حاکمیتی اشخاص یا مسئولان سیاسی» از لحاظ حقوقی دارای مسئولیت کیفری یا مدنی هستند یا خیر؟

به گزارش «تابناک» با نزدیک شدن به آغاز رقابت‌های رسمی انتخاباتی شاهد این هستیم که نوع رویکرد فعالان سیاسی و مسئولان مرتبط با امر انتخابات از حالت توصیه و نصیحت خارج شده و گاهی وارد مرحله کنایه‌های شدید و درگیری‌های سیاسی می‌شود. درگیری لفظی مستقیم و غیر مستقیم چند روز اخیر مسئولان درگیر در امر انتخابات در بالاترین سطح ممکن رخ دهد.

وقتی به انتخابات‌های گذشته توجه می‌کنیم پی خواهیم برد که بسیاری از اشخاص حقوق عمومی دولتی و غیر دولتی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم درگیر این بحث بوده و اعمال و اظهارات آنان اگر با نگاه دقیق حقوقی مورد بررسی قرارگیرد همگی مشمول قواعد خاص حاکم بر مسئولیت مدنی یا کیفری اشخاص حقوق عمومی می‌شود. لذا با توجه به مطالب پیش گفته و و فهم بهتر مطلب و پاسخ به سوال مطرح شده در ابتدای مطلب مبنی بر حدود مسئولیت مقامات و اشخاص سیاسی در برابر سخنان و اظهارات خویش، بهتر است در ابتدا مفهوم مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوق عمومی مورد بررسی قرار گیرد.

در همین ارتباط دکتر حمیدرضا آقاباباییان حقوقدان وکیل دادگستری و مولف کتاب «مسئولیت مدنی اشخاص حقوق عمومی» درباره مفهوم اشخاص حقوق عمومی گفت: «برای درک مفهوم اشخاص حقوقی عمومی لازم است، مفهوم و انواع مسئولیت به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد. اصولاً در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد و در مقام ترمیم خسارتی باشد که به دیگری وارد آمده است گفته می‌شود در برابر او مسئولیت مدنی دارد.» «سخن و اعمال» اشخاص حقوق عمومی چه مسئولیت‌هایی در پی خواهد داشت؟

آقاباباییان در ادامه خاطر نشان کرد: «مسئولیت دارای مفهوم پیچیده و در عین حال گسترده است که می‌توان آن را از دیدگاه‌های مختلف بررسی نمود، که هر یک از آن‌ها کاربرد‌های به خود را دارد نظیر مسئولیت سیاسی، مسئولیت حقوقی، مسئولیت دینی، مسئولیت اداری و امثال آن، لیکن قدر مشترک تمامی موارد فوق نوعی تکلیف است وظیفه‌ای که بر عهده شخص یا گروهی خاص قرارداده می‌شود تا امری را انجام داده یا از انجام امری خودداری نماید.»

این وکیل دادگستری افزود: «واژه مسئولیت از دیدگاه‌های مختلف تعریف می‌گردد، صرف نظر از این تعاریف برای مسئولیت، مسولیت از دیدگاه علم حقوق عبارت است ((از تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است)) بعضی دیگر از حقوقدانان معتقدند مسئولیت عبارت است ((از پاسخگویی به تخلفاتی که شخص نسبت به تعهدات و وظایف خود شده است چه این تکالیف و تعهد حقوقی و یا کیفری باشد یا رنگ اخلاقی و مذهبی داشته باشد)) با دقت به تعاریف ارائه شده مشخص می‌گردد قدر مشترک تمامی این عبارات، تعهد و تکلیفی است که متوجه شخص می‌گردد که نتیجه آن التزام شخص به جبران ضرر و زیان ناشی از عمل یا ترک عمل است که مرتکب شده است.»

وی تصریح کرد: «مسئولیت از دو منظر قانونی و حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد یعنی مسئولیت‌هایی که ماخذ قانونی داشته باشد و به شکلی در قانون پیش بینی شده باشد نه مسولیت‌های دینی و اخلاقی که از قلمرو قوانین خارج است. در حقوق داخلی مسئولیت حالت بسیار گسترده و در عین حال تفکیک شده و روشنی دارد و به لحاظ حاکمیت یک قانون تحمیلی شونده و همراه با ضمانت اجرای نسبتاً قدرتمند، حالت الزام آور بیشتری را در زمان تداعی می‌نماید. انواع مسئولیت اشخاص حقوقی در حقوق داخلی عبارتند از:؛ مسئولیت مدنی مسئولیت کیفری و غیره»

آقا باباییان با بیان اینکه مسئولیت مدنی در اصطلاح حقوقی دارای دو مفهوم و دو معنای اعم و اخص می‌باشد گفت:

«در معنای اعم مسولیت مدنی عبارت است، از (وظیفه حقوقی که شخص در برابر دیگری به انجام یا ترک عمل دارد. اعم از اینکه منشاء آن عمل حقوقی یا مادی یا مستقلاً منشا مسولیت مقررات قانونی باشد) مسولیت ممکن است ناشی از عمل مادی مثل ائتلاف و تسبیب باشد یا ناشی از قرارداد مثل تعهد به انجام عمل یا ممکن است ناشی از مقررات قانونی باشد. مبنای مسولیت در اصل ۱۴۱ قانون اساسی اسلامی ایران، قانون مسولیت مدنی مصوب، اول ۱۳۳۹، همچنین ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی پیش بینی شده است. در باب مبنای مسولیت نظریات مختلفی ارائه شده است که عمده ترین آن نظریه ((تقصیر یا مسولیت شخص)) است که در تقصیر شرکت مسولیت است. و دیگری نظریه ((خطا یا مسولیت عینی)) است و «سومین نظریه ((مختلط)) است»

وی با بیان اینکه قانون مدنی ایران در ماده ۳۲۸ نظریه خطا را در خصوص ائتلاف پذیرفته است. ولی در مبحث تسبیب عموماً از نظریه تقصیر پیروی می کند (مواد ۳۳۴ و ۳۳۳) افزود: «برای تحقق مسولیت مدنی وجود سه شرط لازم است: ۱- وجود ضرر

۲- ارتکاب فعل زیانبار ۳- رابطه سببیت است و برای تحقق مسولیت کیفری سه عنصر مادی، روانی، قانونی که لازم و ضروری است. در مسولیت کیفری همانند مسولیت مدنی باید عملی را انجام دهد یا از انجام عمل خودداری کند که موجب ضرر دیگری شود. النهایه در مورد مسولیت مدنی ضرر وارده متوجه یک شخص خصوصی است. در مسولیت کیفری ضرر متوجه جامعه می شود؛ بنابراین مسولیت کیفری این است که ما بتوانیم جرمی را به کسی نسبت دهیم و آن شخص قابلیت و تحمل این انتساب را داشته باشد.»

وی خاطر نشان کرد: «در قوانین موضوعه فعلی خلأ هایی در خصوص رسیدگی به جرائم اشخاص، حقوقی وجود دارد، از جمله اینکه:

۱- دادگاه صالح رسیدگی به جرائم اشخاص حقوقی به صراحت بیان نشده
۲- یا محکوم کردن شخص حقوقی به پرداخت جزای نقدی بر اساس بند ج. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، ضمانت اجرایی خاصی ندارد. زیرا اگر شخص حقوقی جزای نقدی را نپردازد، بازداشت بدل از جزای نقدی در حق وی منتفی است.

۲- یا نحوه تفهیم اتهام به شخص حقوقی که تفهیم به نماینده قانونی این شخص صورت می گیرد که ممکن است همان شخص حقیقی مرتکب جرم یا شخص دیگری باشد.

۴- کیفیت تفهیم اتهام به شخص حقوقی و نحوه صدور قرار تأمین کیفری در مواد ۶۸۶ دبه بعد قانون جدید آیین دادرسی کیفری پیش بینی گردیده است

۵- در خصوص انتشار حکم محکومیت در رسانه ها مطابق آخرین بند از ماده ۲۰ به عنوان یکی از مجازات های اشخاص بیان شده از سه نظر قابل طرح است. الف- قاضی میتواند صرفاً مجازات شخص حقوقی را منتشر کند بدون آنکه مجازاتی برای او در نظر بگیرد مطابق این نظر، محکومیت شخص حقوقی همان انتشار مجرمیت اوست نه محکوم شدن او به سایر مجازات ها. ب- قاضی می تواند انتشار حکم محکومیت شخص حقیقی را به عنوان مجازات شخص حقوقی در نظر گیرد. ج- اگر قاضی بخواهد انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها را به عنوان شخص حقوقی در نظر گیرد، حتماً باید آن را یکی از مجازات های مقرر در بند های (الف تا ج.) جمع کند مطابق این نظر معنای محکوم شدن شخص حقوقی محکوم شدن به یکی دیگر از مجازات است، نه صرف اعلام انتساب جرم ارتکابی به شخص حقوقی. نظر نخست از منطقی برخوردار نیست، چون پیش از محکومیت، انتشار معنا پیدا نمی کند و انتشار مجرمیت موجه نیست. نظر دوم هم منطقی نیست، زیرا انتشار محکومیت شخص حقیقی مجازات مضاعفی برای شخص حقیقی است و محکومیتی برای شخص حقوقی مجسوم نمی شود. پس نظر سوم ارجح است»

وی با بیان اینکه آنچه قابل ایراد است، آن که قانون مجازات اسلامی در مواد مربوطه در این زمینه بشرح خلا های پیش گفته ابهاماتی دارد که عمل به آن را سخت می کند افزود: «انتظار می رود در جهت رفع این نواقص اقداماتی انجام شود. از جهتی دیگر نیز قانون گذار با مستثنا کردن دولت، اشخاص حقوقی دولتی و نهاد های عمومی غیردولتی از شمول مسولیت کیفری اشخاص حقوقی، دایره این نهاد را محدود نموده است. این استثنائات نیز در حقوق جزای کشور های مختلف معمول بوده و عموماً به دلایل زیر انجام می شود: اول، اقتدار و حاکمیت اشخاص حقوقی حقوق عمومی در زمان انجام اعمال حاکمیتی. مجازات کردن دولت و دیگر اشخاص حقوقی حقوق عمومی موجب تحقیر حاکمیت و کاهش قدرت سیاسی کشور می شود. دوم، جلوگیری از زیان دیدن جامعه و افراد بی گناه. اشخاص حقوقی حقوق عمومی خدمات عمومی ارائه می دهند، مجازات این اشخاص موجب خلل در انجام وظیفه شان شده و زیان مضاعفی به زیان دیدگان از جرم وارد می کند»